

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

ویرانه افغانستان

مطالعه نوشته پرمحتوای عزیزالقدرم جناب آقای معروفی زیر عنوان "افغانستان کشور بی دروازه و مورچه خانه ناتو" در پورتال وزین "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مرا به یاد شعری انداخت که پوره دوازده سال قبل، دوران طالبان، در برابر رفت و آمد هر کل و کور اعم از عرب، عجم، پنجابی چچینی و... برای آموزش انسان کشی و ویرانکاری در افغانستان عزیز سروده شده است. اکنون هم که متأسفانه همان سلسله به شکل قبیح تر و خونین تر ادامه دارد و کل و کورهای مختلف دیگر با لباسهای دیگر، بدون پرسان و جویان بغرض همان ویرانکاری، بی محابا و بدون اجازه می روند و می آیند، که ما همه با اندوه فراوان شاهد سفرهای زمامداران ممالک در یک ماه اخیر بودیم و هستیم. خواستم همان شعر را یک بار دیگر به تائید دردهای دل "معروفی" عزیز، به نشر برسانم:

مپرس از من، که دردم قصه و افسانه را ماند
مپرس از من، که دردم قصه و افسانه را ماند
وطن در حادثات دهر، دام و دانه را ماند
وطن در حادثات دهر، دام و دانه را ماند
در بی پاسبان و پاسبان، سست ایمانی
در بی پاسبان و پاسبان، سست ایمانی
رفت و آمد بیگانگان آخر یقینم شد
رفت و آمد بیگانگان آخر یقینم شد
درین ویرانه از باد مصیبتهای رنگارنگ
درین ویرانه از باد مصیبتهای رنگارنگ
ز هندو و مسلمان و یهودی و مسیحائی
ز هندو و مسلمان و یهودی و مسیحائی
عرب با ترک میتازد، عجم بر خویش مینازد
عرب با ترک میتازد، عجم بر خویش مینازد
چه ناپاکست پاکستان، چه بی پاکست امریکا
چه ناپاکست پاکستان، چه بی پاکست امریکا
زهی همسایه بیمایه ای کز فرط خودخواهی
زهی همسایه بیمایه ای کز فرط خودخواهی
مرا از آشیانم باغبان هـــــر بار میراند
مرا از آشیانم باغبان هـــــر بار میراند
ز بس تخم نفاق و کینه افگندند در مردم
ز بس تخم نفاق و کینه افگندند در مردم
مرا گر بی سر و پا دیده ای جای تعجب نیست
مرا گر بی سر و پا دیده ای جای تعجب نیست
«اسیر» از هجر میهن بی سر و سامانه را ماند
«اسیر» از هجر میهن بی سر و سامانه را ماند

(بن – المان، سپتمبر 1998م)